



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۲/۰۲

عبدالباری جهانی

چه مینویسیم؟

عادت من براین است که هم بی مقدمه مینویسم و هم از مقدمه های دور و دراز دیگران خوشم نمی آید و اکثراً تکلیف خواندن آنرا به خود نمی دهم.

چهار سال و اندیست که در کشور ما تاریک ترین و حتی وحشی ترین رژیم جهان حکمفرماست و اصول نامه جزایی رژیم تاریک و ضد تمدن بشری طالبانی که نمایانگر وحشت بی پایان آنهاست تازه ترین و نه آخرین قدم آنها در این راستاست. آیا کشوری که مدتی در آن زندگی نموده و یک وقتی از آب و هوای آن استفاده نموده و از نعمات آن برخوردار بودیم. در آن خاک و بوم صاحب تحصیل و بعضاً صاحب امتیازات مادی و معنوی و مقام و جلال بوده ایم بر ما حق ندارد که در مقابل وحشتی که کشور عزیز ما را در چنگال گرفته و هر آن گلوی آنرا میفشارد و کشور را هنوز هم بسوی قهقرا میبرد طوری با مسایل و مشکلات آن برخورد مینماییم که گویا هیچ مشکلی رخ نداده باشد. یا بر ضد یکدیگر مینویسیم و آن هم کاشکی اصول علمی انتقاد را مراعات میگردیم و یکی دیگر را توهین نمی نمودیم و باعث اصلاح میشدیم و یکی دیگر را دشمن خونی خود نمی ساختیم و یا یکی دیگر را بخاطری ستایش مینماییم تا فردا از نوشته ما ستایشی بعمل آورد. یا در باره موضوعاتی مینویسیم که به هیچ صورتی هیچ دردی را دوا نمی کند. هی توصیف امان الله است که خاتمه پذیر نیست. هی محکوم نمودن نادرخان است که شاید تا ابد دوام پیدا کند. هیچ یک ما از خود نپرسیده ایم که این همه قلمفرسایي ها و ضایع نمودن وقت گرانبهای خود و دیگران بالأخره برای چه؟

اینجانب به حیث یک آدم هیچکاره، که نه عالم دین هستم، نه حقوقدان هستم، نه مورخ هستم و بالأخره، بدون شکسته نفسی، هیچ نیستم ولی درباره اصولنامه اخیر جزایی رژیم طالبانی دو مضمون مستندی نگاشته و مضمون سیم هم در راه است و شاید مضامین دیگر هم بنویسم. این مضامین را در وب سایت آریانا افغانستان و سایر سایت ها به نشر سپرده ام. بدون مبالغه ادعا کرده میتوانم که مضامین اخیر بنده مستند ترین مضامینی هستند که تا کنون درین زمینه به نشر سپرده شده اند ولی نه تنها حقوق دانان ما این موضوع را تعقیب نه نموده بلکه به استثنای معلم صاحب عمر توخی از سویدن کسی بر آن دو مضمون بنده از تبصره نمودن مثبت و منفی خود داری نموده اند.

از برای خدا! چه وقت به درد وطن خود میخوریم که در چنگال وحشی ترین و تاریک ترین رژیم دنیا دست و پا میزند. چه وقت بداد دختران، خواهران و مادران خود میرسیم که در قرن ۲۱، که جهان بسوی مریخ روان است، و آنها در زندان های ملاءهای بی مغز زندگی سپری مینمایند و چه وقت به درد دختران خود که از ابتدایی ترین حق بشری، که تعلیم و تحصیل است، بی بهره مانده اند، میرسیم.

کشور عزیز ما بسوی تاریکی بی حد و حصری روان است. هر روز و هر ماه و سال لشکری از مدرسه های حقانیه ساخت پاکستان فارغ شده و نصاب تعلیمی مدرسه های حقانیه جای نصاب تعلیمی عصری را گرفته و کشور را بالأخره به یک مرکز جدید تروریزم تبدیل خواهد نمود.

نه گفته و نخواهم گفت که قلم های ما تغییری در وضع کشور فراهم خواهد آورد ولی با توجه نمودن به مشکلات جدی که کشور عزیز ما که با آن روبروست حد اقل وظیفه خود را ایفا نموده باشیم.

کشور ما در حالتی قرار دارد که باور کنید رژیم بیست ساله جنگ سالاران، جنایتکاران، خودکامه گان و خابنین بر آن شرف داشت. در آن شرایط حد اقل پوهنتون ها و مکاتب داشتیم. دختران و پسران ما هر روز تعلیم یافته و تعلیم یافته تر میشدند و حد اقل امید اصلاح و روشنی داشتیم. شاید بیست و یا سی سال بعد به یک جایی میرسیدیم ولی در شرایط فعلی هر روز یک گامی بسوی عقب میرویم و هر روز و هر ساعت بسوی آینده تاریک و نامعلومی گامی

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

برمیداریم که هیچ کسی پیشبینی فردا را کرده نمی تواند. ولی روشنفکران ما، در همین حالت هم دم از پیشرفتهای اقتصادی و قایم شدن امنیت میزنند و در باره ستایش این تاریک ترین رژیم حاکم جهان قلمفرسایی میکنند. چون لسان مادری ام دری نیست و بالغات جدید هم چندان آشنایی ندارم. ساده مینویسم و علمی و ادبی نگاشته نمیتوانم امید است که نویسندگان ما این نوشته ساده و غیر علمی و غیر ادبی را توهین بخود ندانند. باور کنید بدون درد دل هیچ هدفی نداشته ام.



[په افغان جرمن آنلاين پورتال کی د جهانی صاحب آرشیف](#)